

مستشرقان و تعدد زوجات پیامبر اکرم (ص)

دکتر کیوان احسانی، عضو هیئت علمی دانشگاه اراک

keyvan.ehsani@gmail.com

ماندانا قنبری، کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

mandana.ghanbary65@yahoo.com

چکیده

زندگانی پیامبر اسلام (ص) به عنوان آخرین و برترین فرستاده خداوند از همان آغاز بعثت مورد توجه عالمان و اندیشمندان بسیاری قرار گرفته است. در این میان مستشرقان با واکاوی سیره پیامبر گاه با نگاهی همدلانه و منصفانه با مسلمانان، شخصیت پیامبر اسلام را ستوده و در آثار خود از عظمت و حسن اخلاق ایشان یاد کرده‌اند و گاهی با نگاه کینه‌توزانه و مملو از تعصبات دینی به ساحت مقدس پیامبر اسلام شبهاتی را وارد می‌کنند. هدف از این تحقیق، بررسی و نقد شبهه‌ی «انگیزه و عامل شهوت در تعدد زوجات پیامبر اکرم (ص)» است که با استفاده از قرآن، روایات، بیان قراین و شواهد تاریخی از سیره‌ی اخلاقی ایشان، و نیز تکیه بر سخنان برخی دیگر از مستشرقان انجام شده است. در این پژوهش پس از واکاوی ریشه‌های نگرش منفی مستشرقان نسبت به ازدواج‌های پیامبر، همچون عدم تصور درست از فرهنگ اسلام و شخصیت پیامبر، تکیه نمودن بر ذهنیت مسیحی که عزوبت یا دست کم تک همسری را ارزش می‌دانند و ازدواج را مخالف با معنویت انسان تلقی می‌کنند، اتکا به مدارک غیر متقن و ترجمه‌های غیر صحیح و نیز تعصبات مسیحی و نگاه‌های مغرضانه و سیاسی و استعمارگرانه، به ارایه تعارض مبنایی این شبهه با شخصیت و سیره پیامبر (ص)، واقعیت‌های تاریخی و نیز تعارض با تحلیل‌های عالمانه‌ی برخی دیگر از مستشرقان پرداخته شده است. آنگاه فلسفه ازدواج‌های متعدد پیامبر (ص)، از جمله: سرپرستی و تکریم زنان بیوه مهاجران و مجاهدان، جلب حمایت قبایل و مشارکت سیاسی، آزاد نمودن کنیزان، آموزش و تربیت زنان، ابطال عقاید جاهلی (حرمت ازدواج با همسر پسرخوانده) تبیین شده است.

کلید واژه‌ها: پیامبر (ص)، تعدد زوجات، قرآن، روایات، سیره‌ی اخلاقی، مستشرقان

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی

Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սաադի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

Orientalists and Polygamy of the Prophet Mohammad (PBUH)

Authors:

Keyvan Ehsani¹
Manadana Ghanbary²

Abstract

Since the very commencement of the prophetic mission, the life of the prophet Mohammad (PBUH) as the last and the greatest emissary of Allah has been considered by scholars and intellectuals. Among them, Orientalists have analyzed the life story of the prophet; sometimes appreciated his character with fair and sympathetic stance and mentioned his magnificence and beauty of disposition in their own works, and sometimes instilled doubts about him with a spiteful attitude filled with religious prejudices.

In this paper, we shall review and criticize the idea of the "lust as the motive and the cause of the prophet's polygamy", drawing upon the Holy Quran, Islamic traditions, historical evidence from prophet's ethical behavior, and also remarks of the other orientalists. We explore some of the roots of the negative views of the orientalists towards the marriages of the prophet, i.e. misconception about the Islamic culture and the prophet's character; Christian mentality which values celibacy or monogamy at least and treats marriage as something against spirituality; reliance upon uncertain document and inaccurate translations; Christian prejudices and biased political or colonial approaches. After that, the essential conflict between this doubt and the prophet's character and life story, historical facts, and scholarly analyzes of some of other orientalists is addressed. Eventually, we explain the rationales behind the numerous marriages of the prophet (PBUH), including protection and honoring of the widows of the Meccan emigrants (muhajirin) and Warriors (mujahidin); gaining support of the tribes and political participation; releasing the handmaidens; education and training of women; abolition of the ignorant beliefs (impermissibility of marriage with adopted son's wife).

Keywords: *Prophet Mohammad (PBUH), Polygamy, Quran, Islamic Traditions, Ethical Life of the Prophet (Sirah), Orientalists.*

¹. Assistant Professor, Faculty of Theology and Islamic Sciences, Arak University.
Email: keyvan.ehsani@gmail.com

². M.A. in Quranic Sciences. Email: mandana.ghanbary10@yahoo.com

کنفرانس بین‌المللی شرق‌شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

مقدمه

شخصیت و زندگی حضرت محمد(ص) به عنوان پیامبر الهی و کسی که منشا تحولات بسیار بزرگی در عالم بشریت بوده، همواره مورد توجه نویسندگان و محققان بوده‌است. آثاری که در طول تاریخ اسلام درباره ایشان تدوین یافته، درباره کمتر کسی پدید آمده‌است.

محققان غربی نیز از قرون نخستین اسلامی، به بررسی شخصیت و زندگانی پیامبر خاتم پرداخته، آثار بسیاری راجع به ایشان نگاشته‌اند. جریان خاورشناسی و اسلام‌شناسی مستشرقان در طول تاریخ تحولات گوناگونی را از سر گذرانده‌است. اما رویکرد تحریف و کتمان حقایق و تاریخ اسلام را به وضوح می‌توان در آن دید. در میان مستشرقان انسان‌های منصف و حق‌جو نیز بوده‌اند که حساب آنان را باید از جریان حاکم بر خاورشناسی جدا کرد.

این نوشتار به بررسی سیره‌ی اخلاقی پیامبر اکرم با محوریت تعدد زوجات حضرت، از نگاه مستشرقان و نقد آن پرداخته‌است. گرچه خاورشناسان شبهات بسیاری در این زمینه مطرح کرده‌اند اما در این پژوهش سعی شده به شبهه‌ی شهوترانی حضرت (نعوذ بالله) بر محوریت تعدد زوجات پاسخ داده شود. در اینجا به جهت کاربرد کلمات نامناسب و رکبیک از سوی برخی از مستشرقان، عذر تقصیر به پیشگاه پیامبر عظیم‌الشان اسلام برده و از خواننده محترم پوزش می‌طلبیم. این اتهامات با استفاده از آیات قرآن، واقعیات تاریخی و شواهد و قرائن متقن زندگی پیامبر و پاسخ برخی از مستشرقان بررسی شده و درنهایت ثابت می‌شود که این اتهامات به پیامبر بی‌اساس بوده و ارزش علمی ندارد و تنها از روی تعصب و عناد به پیامبر نسبت داده شده‌است.

شرق‌شناسی و سیره پیامبر اکرم(ص)

استشراق(شرق‌شناسی، خاورشناسی) معادل کلمه «orientalism»، بر اعمال مستشرقان در قبال فرهنگ مشرق‌زمین اطلاق می‌شود. این اصطلاح در سال ۱۷۷۹م برای نخستین بار در جهان انگلیسی زبان به کار گرفته شد و در سال ۱۸۳۸م وارد معجم‌های دانشگاهی فرانسه شد. (خرم‌شاهی، ۱۳۸۱: ج ۲/ ۲۰۴۶)

به آن دسته از اندیشمندان غربی که برای شناختن و شناساندن کشورها و شرایط جغرافیایی، منابع، معادن، تاریخ، قومیت‌ها، زبان، هنر، آداب، سنن، عادات، فرهنگ، باورها، ادیان، تمدن‌ها و ویژگی‌های مردم کشورهای مشرق‌زمین از خاور دور تا خاور نزدیک و شرق دریای مدیترانه وارد سرزمین‌های آنان شده و سال‌ها به مطالعه و پژوهش پرداخته‌اند، «شرق‌شناس» یا «مستشرق» گویند، و به عملی که عهده‌دار این وظیفه است «شرق‌شناسی» یا «استشراق» گویند. (ادوارد سعید، ۱۳۷۱: ۱۴) و به بیان بهتر استشراق در تعبیری موجز عبارت از آن دسته از پژوهش‌های غربیانی است که در خصوص میراث شرق و به‌ویژه مسائلی مرتبط با تاریخ، زبان، ادبیات، هنر، علوم، عادات و سنن، آن انجام می‌پذیرد. (علی الصغیر، ۱۳۸۵: ۲۲)

شخصیت پیامبر اکرم و تاریخ زندگی او از روزهای نخست بعثت مورد توجه مورخان و سیره‌نویسان، از جمله مستشرقان بوده‌است. اصولاً غربی‌ها دین اسلام را به نام دین محمد(ص) می‌شناختند؛ از این رو، سیره و شرح احوال آن حضرت همواره مورد توجه آنان بوده‌است. مستشرقان در طول تاریخ با رویکردهای مختلف به سیره نبوی پرداخته‌اند. (اسکندرلو و پاسنگ: ۱۳۹۱: ۳۷)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

مستشرقان و تعدد زوجات پیامبر(ص):

از مسائلی که در زندگی شخصی پیامبر اکرم توجه مستشرقان را به خود جلب کرده، تعدد همسران رسول خداست. آنان بدون توجه به واقعیات و اقتضائات عصر پیامبر و با مقایسه آن روزگار با عصر حاضر چند همسری را مخالف با شئون جوامع امروزی دانسته و سوالات و شبهات مختلفی مطرح کرده اند، از جمله این که آیا تعدد همسران پیامبر از روی شهوت و هوسرانی نبوده است؟ فلسفه‌ی تعدد همسران پیامبر چه بوده است؟ این شبهه در ذهن برخی از محققان و اندیشمندان غربی چنان ریشه دوانیده که عامل شهوت را مسلم پنداشته‌اند؛ مسئله‌ای که آن‌ها را از دست یافتن به حقیقت بازداشته است. ساوتی از نویسندگان قرن نوزدهم اسپانیا معتقد است که؛ یکی از بزرگترین اشتباهات پیامبر اسلام این بود که پیروان خود را به ازدواج با تعداد بی‌شماری از زنان تشویق و ترغیب می‌کرد. هم چنین محمد(ص) مردی بود که شهوات و غرایز بشری را منع نمی‌کرد و خود تحت تأثیر آن بود. محمد به ایجاد و تاسیس بافت جامعه مبادرت نورزید. او ناروایی‌های جامعه را همان گونه که از پیش وجود داشتند، پذیرفته بود. مبتکران دیگر مذاهب در به صلابة کشیدن شهوات تن تردیدی به خود راه نداده‌اند؛ ولی محمد در جهت نیل به چنین چیرگی و استیلائی بر غرایز بشری نکوشید، او خود را در مقابل این غرایز ضعیف می‌دانست و در خود به کفایت آن قدرت را نمی‌یافت که بر آن غرایز چیره شود. (صمیمی، ۱۳۸۲: ۳۸۷)

گوستاولوبن می‌نویسد: پیامبر در آخر سنین زندگی علاقه شدیدی به زنان پیدا کرد و این امر را از دیگران پوشیده نمی‌داشت و می‌گفت: «از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: بوی خوش، زن و نماز که نور چشم من است». همین علاقه پیامبر به زنان باعث انتقادات شدید بر ایشان شده است. پیامبر به سن زنانی که می‌گرفت، اهمیت نمی‌داد. عایشه را که دختر ده ساله بود، به همسری گرفت و میمونه را که زن پنجاه و یک ساله بود برگزید. به دلیل همان علاقه‌ای که به زنان داشت، روزی چشمش به همسر زید (پسر خوانده‌اش) افتاد و آن قدر به آن زن علاقه پیدا کرد که زید او را طلاق داد تا پیامبر به عقد خود درآورد. چون مسلمانان این کار را نادرست می‌دانستند آیاتی از قرآن نازل شد و فرمود که این ازدواج از روی مصلحت بوده است. مسلمانان نیز سکوت کردند. چون پیامبر در آخر عمر متوجه شد که داشتن زنان زیاد گرفتاری‌ها و مشکلات به بار می‌آورد، برای مسلمانان داشتن بیش از چهار زن را حرام کرد. (گوستاولوبن، ۱۳۸۷: ۱۱۶-۱۲۵)

ویلیام موئیر می‌نویسد: در مدینه وضعیت تغییر می‌کند. قدرت دنیوی، جاه‌طلبی و ارضای نفس به سرعت با هدف سترگ زندگی پیامبر در هم می‌آمیزد و همه این‌ها با روش‌های دنیوی به دست می‌آیند. پیام‌های آسمانی آزادانه نازل می‌شوند تا عملکرد سیاسی را توجیه کنند. در واقع، افراط کاری‌های غریزی و شخصی نه تنها موجه دانسته می‌شوند، بلکه با تأیید یا حکم الهی مورد تشویق قرار می‌گیرند. اجازه و امتیازی ویژه داده می‌شود که پیامبر را مجاز می‌دارد که همسران بسیاری اختیار کند. (صمیمی، ۱۳۸۲: ۴۱۶)

فیلیب هتی نیز می‌گوید: آن چه از این گونه لغزش‌ها جدی‌تر و مهم‌تر است آیاتی است که نقاط ضعف اخلاقی و سوابق زندگی محمد(ص) را منعکس می‌نماید. آیه ۳۷ از سوره ۳۳ وحی شده است تا ازدواج محمد(ص) را با عیال پسرخوانده‌اش زید تجویز کرده باشد. (جمیله مریم، ۱۳۹۱: ۲۲۰)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

ریشه های نگرش منفی مستشرقان به ازدواج های پیامبر (ص)

ریشه های این نگرش منفی مستشرقان به ازدواج های پیامبر را می توان در چند نکته خلاصه کرد:

- ۱- عدم تصور درست از فرهنگ اسلام و شخصیت پیامبر و این که ازدواج های پیامبر را مادی تفسیر کرده اند.
- ۲- برخی مستشرقان حرم سراهای امویان، عباسیان، عثمانی ها و پادشاهان بوالهوسی که صرفاً نامی از اسلام داشته اند به عنوان سمبل اسلام و جانشینان پیامبر تلقی کرده و هوسرانی آن ها را به پیامبر نسبت داده و ایشان را متهم به عشق بازی و داشتن حرم سرا می کنند. (صمیمی، ۱۳۸۲: ۳۸۷)
- ۳- برخی از مستشرقان با ذهنیت مسیحی خود که عزوبت یا دست کم تک همسری را ارزش می دانند و ازدواج را مخالف با معنویت انسان تلقی می کنند. تعدد همسران پیامبر را در تضاد با قدسی بودن ایشان می دانند و این موضوع را لکه ای بر زندگی پیامبر قلمداد کرده اند. (عبدالحمیدی، ۱۳۹۲: ۱۹۶)
- ۴- برخی از مستشرقان به خود رنج تتبع نداده و به اتکای مدارک غیر متقن و ترجمه های غیر صحیح، دچار اشتباهات حیرت-انگیزی شده اند. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۲)
- ۵- تعصبات مسیحی و نگاه های مغرضانه و سیاسی و استعمارگرانه برخی از مستشرقان را می توان زمینه ساز این اهانت ها تلقی کرد.

بررسی و نقد شبیهه:

در پاسخ به شبیهه مستشرقان درباره تعدد زوجات پیامبر باید گفت؛ در ورای هر یک از ازدواج های پیامبر اهداف بسیار والایی وجود داشته است و همسرگزینی پیامبر جنبه ای ارضای غرایز نفسانی و خوش گذرانی نداشته است و این تهمت با محورهای زیر در تعارض است:

۱- تعارض با شخصیت و سیره پیامبر (ص)

پیامبر اسلام دارای شخصیتی آسمانی و سیمایی ملکوتی است که از جانب خداوند به عنوان رهبر و راهنمای جهانیان مبعوث گردیده است. «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان / ۱)
مورخین و محققین از صدر اسلام تا کنون پیرامون احوال و سیره آن حضرت آثار و تألیفات گران قدری به جای گذاشته اند. و در همه این کتب و به گواهی قرآن پیامبر اکرم شخصیتی عابد، زاهد، باراده، پرهیزکار، ساده زیست و وارسته از دنیا و فردی نرم خو و شجاع و بی باک بوده است. اگر رسول خدا(ص) در پی ارضای غرایز نفسانی بود، باید در سنین جوانی به این کار مبادرت می کرد این گزینه از آغاز بلوغ خودنمایی می کند و کم کم قوی تر می شود و از سن ۲۵ الی ۴۰ سالگی رو به کاهش می نهد، در حالی که پیامبر در زمانی که جوانی ۲۵ ساله بود با خدیجه ۴۰ ساله ازدواج کرد و ۲۶ سال یعنی تا زمانی که خدیجه به سن ۶۶ سالگی رسید با او زندگی کرد و از او شش فرزند داشت، ولی هرگز این مدت با آن که غالباً برای مردی در حدود آن سنین گرایش جنسی به زنی در حدود چنان سنی کاهش می یابد و با آن که پیامبر در دوران جوانی همه آن چه را که موجب جلب توجه زنان می شود مانند زیبایی، موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب را داشت و هم توان جسمی و هم فراغت و خاطری آسوده را دارا بود با این حال حضرت عفت

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

و پاک دامنی پیشه می کند و با زنی بیوه و بزرگسال در عهد جوانی اکتفا می کند و این رفتار با واژه هایی چون زن بارگی، شهوت رانی ناسازگار است. (ابوزهره، ۱۳۸۰: ج ۳ / ۶۸۷)

علامه طباطبایی در این باره می نویسد: افرادی که محبتی مفرط به زن و شهوت و عشق دارند، فریفته آرایش و زینت و عاشق جمال و دلربایی ها و طراوت سن جوانی می گردند؛ در حالی که این خصوصیات با زندگی و روش آن حضرت منطبق نمی گردد، چون با بیوه زنان و زنان پیر و سالخورده ازدواج کرد. پیامبر اکرم زنان خود را میان کامجویی دنیوی و گرفتن طلاق مخیر می سازد: یا خدا و یا پیامبر را بگیرند و دنیا را رها سازند و یا دنیا و زینت آن را انتخاب کنند و از پیامبر طلاق بگیرند «یا ایها النبی قل لأزواجک إن کُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَیَاةَ الدُّنْیَا وَ زینَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتَّعَنَّ و أَسْرَحَنَّ سَرَّاحاً جَمِیلاً (۲۸) و إن کُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَلَیِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْکُنَّ أَجراً عظیماً» (احزاب/ ۲۸ و ۲۹) این عمل نیز با وضع مرد زن دوست و جمال پرست نمی سازد. علاوه بر این که رفتار آن جناب با زنان و احیای حقوق از دست رفته آنان در قرون جاهلیت و تجدید حرمت به باد رفته و احیای شخصیت اجتماعی شان، دلیل دیگری است بر این که زن را تنها یک وسیله برای شهوترانی مردان نمی دانسته و تمام همسایه این بوده که زنان را از ذلت و بردگی نجات داده و به مردان بفهماند که زن نیز انسان است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۱)

برخی از ویژگی ها و فضایل پیامبر که در رابطه با این موضوع مورد توجه قرار می گیرد عبارتند از:

۱-۱- وارسستگی از دنیا:

از ویژگی های پیامبر عدم وابستگی و دل بستگی او به دنیا است. رسول خدا با این که از انتهای یمن تا جنگل های عمان و تمامی حجاز تا اطراف عراق را مالک و تحت سیطره داشت، ولی هنگامی که وفات کرد بدهکار بود و سپر او در گرو غذای خانواده اش بود، هیچ درهم و دیناری به ارث نگذاشت و قصری بنا نکرد و هیچ نخلی را برای خویش نکاشت و نهی نشکافت. (محرمی، ۱۳۷۸: ۶۰۱)

علی (ع) در وصف پیامبر و تأسی به آن حضرت فرمود: پیامبر از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند، و به دنیا با گوشه چشم نگریست، دو پهلوی از تمام مردم فرو رفته تر و شکمش از همه خالی تر بود. دنیا را به او نشان دادند، اما نپذیرفت... و همانا پیامبر بر روی زمین می نشست و غذا می خورد، و چون برده، ساده می نشست، و دیگری را پشت سر خویش سوار می کرد. پرده ای بر در خانه او آویخته بود که نقش و تصویرها در آن بود، به یکی از همسرانش فرمود، «این پرده را از برابر چشمان من دور کن که هرگاه نگاهم به آن می افتد به یاد دنیا و زینت های آن می افتم.» پیامبر با دل از دنیا روی گرداند، و یادش را از جان خود ریشه کن کرد، و همواره دوست داشت تا جاذبه های دنیا از دیدگانش پنهان ماند، و از آن لباس زیبایی تهیه نکند و آن را قرارگاه دائمی خود نداند و امید ماندن در دنیا را نداشته باشد، پس یاد دنیا را از جان خویش بیرون کرد، و دل از دنیا بر کند، و چشم از دنیا پوشاند. (نهج- البلاغه، خطبه ۱۶۰: ۲۱۳)

مردی یهودی از اهل شام از علی (ع) سؤال کرد: «مردم پندارند که عیسی مردی زاهد بود. آیا همین طور است؟ علی (ع) به او فرمود: آری، چنین بود و محمد (ص) از همه پیامبران زاهدتر بود، زیرا آن حضرت علاوه بر کنیزهایی که داشت دارای سیزده تن زن (در

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

زمان‌های متفاوت) بود، با این حال هیچ‌گاه سفره‌ای از نزد آن حضرت برچیده نشد که در آن طعامی باقی مانده باشد و هرگز نان گندم نخورد و از نان جو نیز سه شبانه روز پیای سیر نخورد. (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۸۸)

مردانی که به بهره‌مندی از زنان می‌اندیشند، تلاش می‌کنند با تهیه لباس و توسعه آسایش و هزینه کردن اموال، دل آنان را به‌دست آورند، اما بر اساس آیه شریفه (احزاب/ ۲۸)، پیامبر در سال نهم هجری که گسترش اسلام، وضع اقتصادی مسلمانان را بهبود بخشیده بود، وقتی همسرانش از او لباس و وسایل بهتر طلب کردند یک ماه از همه آن‌ها کناره گرفت و پس از گذشت یک ماه به دستور خداوند، آن‌ها را مخیر ساخت تا در میان آسایش و رفاه و دنیا و زندگی با پیامبر، یکی را برگزینند، آنان که از درخواست‌های مادی خود پشیمان شده بودند، زندگی با پیامبر را برگزیدند.

۱-۲- عبادت و تهجد پیامبر (ص):

پیامبر قبل از بعثت و بعد از بعثت بسیاری از اوقات خود را صرف عبادت می‌کردند. خداوند رسول اکرم را به شب زنده‌داری امر فرمود تا از این طریق به مقام محمود دست یابد: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسراء/ ۷۹) هم‌چنین پیامبر هر شب سی سوره از قرآن را تلاوت می‌کرد که هفت سوره از آن‌ها سوره‌های بزرگ قرآن بودند، دو برابر نمازهای واجب نماز مستحب می‌خواند و بیشتر ساعات شب را مشغول عبادت و راز و نیاز با خدا بود. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱: ۲۶۹)

روایت شده: رسول خدا(ص) آن قدر نماز خواند که پاهایش متورم گردید. امام باقر(ع) فرمود: شبی رسول خدا(ص) در حجره عایشه بود، عایشه عرض کرد: ای رسول خدا! چرا بر اثر عبادت، جان خود را آن همه به‌زحمت می‌اندازی با این‌که خداوند گناه قبل و بعد تو را آمرزیده است؟ پیامبر در پاسخ فرمود: «ای عایشه! آیا بنده سپاسگزار نباشم؟» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۵: ۱۸۶) حال کسی که این چنین به عبادت خداوند مشغول است ممکن است گرفتار شهوت شود.

۱-۳- پایداری و تحمل مشکلات:

یکی از ویژگی‌های پیامبر اکرم که دوست و دشمن به آن معترفند، تحمل مشکلات و پایداری حضرت در انجام رسالت الهی بوده است. این ویژگی نیز هرگز با هوسرانی سازگار نیست. ایشان اسوه‌ی صبر و استقامت بودند خداوند می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف/ ۳۵) «پس صبر کن آن‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند.» ملاقات‌های خصوصی رسول گرامی پیش از دعوت و فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر آن حضرت پس از ندای عمومی، سبب شد که از هر قبیله تعدادی به اسلام گرایش پیدا کنند. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۵۸)

امام علی(ع) می‌فرماید: «و شهادت می‌دهیم که محمد(ص) بنده و فرستاده اوست، که در راه رضایت حق در کام هرگونه سختی و ناراحتی فرو رفت، و جام مشکلات و ناگواری‌ها را سرکشید. روزگاری خویشاوندان او به دورویی و دشمنی پرداختند و بیگانگان در کینه‌توزی و دشمنی با او متحد شدند. اعراب برای نبرد با پیامبر عنان گسیخته، و با تازیانه بر مرکب‌ها نواخته و از هر سو گرد می‌آمدند، و از دورترین سرزمین، و فراموش شده‌ترین نقطه‌ها، دشمنی خود را با پیامبر فرود آوردند. (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۴:

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

۲- تعارض با واقعیت‌های تاریخی:

دیدگاه مستشرقان با واقعیت‌های تاریخی نیز ناسازگار است. اصل ازدواج از لوازم تفکیک ناپذیر حیات انسان‌ها و بقای نسل آن‌ها به شمار می‌رود و اصولاً آرامش زندگی بدان بستگی دارد. از همه مهم‌تر حفظ اصالت اخلاق و ارزش‌های متعالی انسانی و جلوگیری از انواع انحرافات جنسی، بر پایه ازدواج استوار است. در نگاه بنیان‌گذار اسلام بنیای مقدس‌تر و محبوب‌تر از پیوند زناشویی نیست؛ چنان‌که خانه‌ای می‌گوشد که طلاق در آن واقع شده باشد. (شریعتی سبزواری، ۱۳۸۵: ۳۷) مستشرقان با ذهنیت قرن بیستم و معیارهای مسیحیت که عزوبت و تک همسری را ارزش می‌داند ازدواج‌های پیامبر را تحلیل کرده‌اند. درباره ازدواج‌های پیامبر نیز شناخت جایگاه زن در آن دوران، نقش ازدواج در پیوند میان قبایل، شرایط پیامبر اکرم در مدینه و دیگر شرایط آن زمان ضروری است.

تاریخ گواهی می‌دهد که «تعدد زوجات و همسران در آن زمان، در منطقه عربستان، یک امر عادی و متداول بود و مختص به رسول خدا(ص) نبود و با مسائل هر زمان و مکان، باید با توجه به معیارها و استانداردهای همان زمان و مکان، نگاه کرد. رسول خدا(ص) با بسیاری از رسوم زمان خود که در تضاد با اهداف و اصول تربیتی اسلام نبودند، مخالفتی نکرد، بلکه با واقع‌گرایی با آن‌ها روبه‌رو شد تا کم‌کم آن‌ها را تصحیح کرد و یا از اساس برطرف ساخت. حقوق زن در دوره تاریک جاهلی، دست‌خوش هوسرانی مرد قرار گرفته بود و این حقوق نابود شده به دست پیغمبر زنده شد و زن به مقام خویش نایل گردید؛ بدان حد که یکی از آخرین توصیه‌های پیامبر، رعایت جایگاه زن بود و فرمود: «الله فی النساء؛ فإِنَّهنَّ عوان فی أیدیکم». (پور امینی، ۱۳۸۵: ۱۸۵)

در این محیط محدودیت سنی وجود نداشت چه‌بسا مردانی بزرگ‌سال با دختری که به مراتب از وی کوچک‌تر بود ازدواج می‌کرد. در آن محیط جنگ و خون‌ریزی و غارت‌گری رواج داشت و به تعبیر ابن‌خلدون جنگ و خون‌ریزی و غارت‌گری خصلت ثانوی آنان شده بود. (مقدمه ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ج ۱/ ۲۸۶)

در آن وضعیت نابسامان اقتصادی گزینش همسر نوعی کمک به خانواده دختر محسوب می‌شد، و ازدواج مهمترین عامل وحدت و پیوند بین قبائل به‌شمار می‌آمد.

نکته دیگر این‌که به واسطه‌ی اشتغال مردان به جنگ و شکار، مردان بیشتر از زنان تلف می‌شدند و فزونی عده زنان بر مردان سبب می‌شد که یا تعدد زوجات رواج پیدا کند و یا عده‌ای از زنان در بی‌شوهری بسر برند. (مطهری، ۱۳۸۶: ۳۷۰)

جان داون پورت معتقد است که: تعدد زوجات به‌طور کلی از دوران ابراهیم به بعد در تمام مشرق زمین معمول و رایج بوده است و در صفحات بی‌شماری از کتاب مقدس ذکر شده است که به قسمت‌هایی از آن اشاره خواهیم کرد و در آن روزگاری که سادگی و صفای زندگی بیشتر وجود داشته‌است، این امر گناهی محسوب نمی‌شده‌است. (داون پورت، ۱۳۹۱: ۱۷۱)

او معتقد است که تعدد زوجات میان یونانی‌ها و رومی‌های قدیم مجاز بوده است؛ اما موضوع مشروعیت تعدد زوجات، از مراجعه به منابع اسفار زیر که در کتاب مقدس ذکر شده‌است، معلوم می‌شود که این امر نه فقط مورد تصویب یهوه -خدای جهودها- بوده است بلکه آن را مبارک و متبرک نموده‌است. (کتاب خلقت، فصل ۳۰، آیه ۵؛ سفر خروج، آیه ۲۱، فصل ۱۱؛ کتاب پنجم از پنج کتابی که به موسی نسبت داده می‌شود، فصل ۱۷، آیه ۱۷؛ کتاب شموئیل، فصل اول، آیه ۱-۲-۱۱-۲۰ و باز همان مدرک فصل ۲۹،

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

آیه ۳۲ و ۴۳ و کتاب ۲ شموئیل فصل ۱۲ آیه ۸ و همان منبع فصل ۵، آیه ۱۳ و کتاب قضا، فصل ۸، آیه ۳۰، ایضا فصل ۱۰، آیه ۴ و ایضا فصل ۱۲، آیه ۹ و ۱۴). (همان: ۱۷۳)

علاوه بر آن که نکاتی قابل توجه در ازدواج‌های پیامبر(ص) وجود دارد از جمله:

- پیامبر تا سنین ۵۰ یا ۵۳ سالگی غیر از خدیجه همسر دیگری برنگزید.

- همه همسران پیامبر به جز عایشه بیوه و پیر بودند.

- پیش از آن که با پیامبر ازدواج کنند، یک یا چند بار ازدواج نموده‌اند.

- پیامبر با قبایل انصار ازدواج نکرد.

- همه زنان پیامبر پس از خدیجه به فاصله بین هجرت تا فتح مکه به عقد پیامبر درآمدند یعنی در زمان اوج جنگ‌های لشکر اسلام و کفر بوده‌است و از زمانی که اسلام به قدرت رسید و مکه به دست پیامبر و مسلمانان فتح شد پیامبر دیگر ازدواج نکرد در حالی که اقتضای امیال نفسانی و هوسرانی این است که ازدواج‌های متعدد یا در سال‌های جوانی و پیش از ۵۰ سالگی باشد و یا هم-زمان با دست‌یابی به حکومت و تحکیم پایه‌های قدرت صورت بگیرد. (عبدالحمیدی، ۱۳۹۲: ۲۱۳)

- همه زنان آن حضرت پیش از آن که حکم حرمت ازدواج به بیش از چهار زن نازل شود، به عقد پیامبر درآمده بودند، آیه مربوط به حرمت بیش از چهار زن در اواخر سال هشتم هجری در مدینه نازل شد و حضرت، پیش از این تاریخ همسران خویش را به عقد خود درآورده بود و پس از این هم خداوند به پیامبرش دستور داد که اجازه ندارد زنانش را طلاق دهد و به‌جای آنان زنان دیگر برگزیند. (احزاب/ ۲۹) و نیز برخی همسران پیامبر بارها با ناسازگاری‌ها و حسادت‌های زنانه، پیامبر را می‌آزردند. (تحریم/ ۵-۱) بنابراین معلوم می‌شود که این روش و این ازدواج، روش شهوترانان نیست با این محاسبه، یک انسان محقق دوراندیش، نمی‌تواند برای آن حضرت، انگیزه‌های شهوانی در نظر بگیرد؛ چون ازدواج‌های متعدد، هنگامی ناپسند است که بر محور امیال جنسی استوار باشد که درباره پیامبر اکرم، چنین برداشتی، ناصواب است همچنین انسان‌های شهوتران و تنوع‌طلب، معمولاً از ازدواج‌های دائم‌شانه خالی می‌کنند و به کامرانی‌های گذرا و آنی می‌پردازند؛ در حالی که در زندگی پیامبر، چنین امری مشاهده نشد. (پورامینی، ۱۳۸۵: ۱۸۶)

به گواهی تاریخ پیامبر حتی پیش از بعثت همواره به دور از شهوترانی بوده‌است و پس از بعثت هیچ‌یک از دشمنان اسلام کوچک‌ترین سخنی در این باره نگفتند و اگر چنین نبود فریاد برمی‌آوردند و برای جلوگیری از دعوت و تبلیغ رسالت از آن بهره می‌جستند. (ابوزهره، ۱۳۸۰: ۲۷۳)

۳- تعارض با تحلیل‌های عالمانه دیگر مستشرقان:

عده‌ای از مستشرقان برخلاف مستشرقان مغرض که به سبب تعصبات دینی و کینه‌توزی تهمت شهوترانی به پیامبر داده‌اند، با نگاهی منصفانه و بدون غرض‌ورزی به منابع و تاریخ و سیره پیامبر ازدواج‌های ایشان را نه از روی هوسرانی بلکه از روی حکمت و دلایل خاصی می‌دانند در زیر به سخنان برخی از این مستشرقان اشاره می‌شود.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

جان داون پورت به دفاع از پیامبر در مقابل اتهامات پرداخته است: به طوری که نقل کرده اند محمد پس از رحلت خدیجه در اوقات مختلف از میان پانزده و یا سیزده زنی که نامزد وی شده بودند، یازده یا دوازده زن دیگر گرفته است و از این جهت مکرر مورد نکوهش نویسندگان جنجال طلب قرار گرفته است و این وضع را دلیل شهوت پرستی او دانسته اند؛ ولی صرف نظر از این که تعدد زوجات - با این که بر حسب قوانین اروپایی ممنوع است - در زمان حیات محمد در تمام عربستان و سایر نواحی مشرق زمین معمول بوده و خلاف اخلاق شمرده نمی شده است، باید این نکته را به خاطر آورد که محمد از ۲۵ سالگی تا ۵۰ سالگی به داشتن یک زن راضی و قانع بود و تا هنگامی که خدیجه زنده بود و در ۶۳ سالگی وفات کرد، محمد زن دیگری نگرفت. محمد از خدیجه فرزند ذکوری نداشت، در این صورت باید پرسید آیا ممکن است چنان مرد شهوانی در چنان کشوری که تعدد زوجات عمل عادی شمرده می شود، برای مدت ۲۵ سال به یک زن قانع باشد، آن هم زنی که پانزده سال از او بزرگ تر است؟ (داون پورت، ۱۳۹۱: ۵۲)

ویل دورانت، تاریخ نگار مشهور، ازدواج های متعدد پیامبر را چنین تحلیل می کند: تعدد ازدواج در زمان پیامبر یک امر معمول بوده است و باید دقت داشت که پیامبر با این کار درصدد اشباع غریزه جنسی نبوده است؛ زیرا برخی از ازدواج های حضرت با بیوه زنان از روی ترحم، دلداری و محبت به آن ها بود. برخی دیگر به جهت مصالح سیاسی و تقویت مسلمانان بود؛ چنان که ازدواج با دختر ابوسفیان برای رفع کینه او و دوست کردن آن سر کرده مشرکان بوده است. شاید هم برخی ازدواج ها برای فرزنددار شدن بوده باشد. (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ۳۲)

جان بروا ادعای شهوت طلبی و هوس رانی را در مورد حضرتش کاملاً مردود شمرده است. او فلسفه ازدواج های مکرر پیامبر را چنین می داند: ردّ یک سنت جاهلی که فرزند خوانده را حکم فرزند حقیقی می پنداشتند (ازدواج با همسر مطلقه زید)، و یا به دلیل مصالح سیاسی و جذب یهودیان به اسلام (ازدواج با صفیه دختر کنانه)، و یا به خاطر مسائل عاطفی و سیاسی مانند ازدواج با دختر ابوسفیان که پس از هجرت در حبشه بیوه مانده بود. این ازدواج هم آن زن بی سرپرست را نجات داد، هم تأثیر مثبت فراوانی بر روحیه ابوسفیان گذاشت. این ازدواج های محمد در حالی صورت گرفته است که سن آن حضرت از پنجاه گذشته است در چنین سنینی و با آن شرایط خاص رسول خدا مسئله شهوت پرستی کاملاً یک ادعا از روی نادانی است. (آل اسحق خوئینی، ۱۳۷۰: ۲۴۷)

دی.اس. مارگلیوت، در پرتو تحقیقات و پژوهش های خود متقاعد شد که هیچ یک از این ازدواج ها با هدف بهره جویی مادی یا جنسی صورت نگرفته است: ازدواج های متعدد محمد پس از مرگ خدیجه از سوی بسیاری از نویسندگان اروپایی به شهوتی خارق العاده و عجیب نسبت داده شده است؛ اما چنین به نظر می رسد که این ازدواج ها عمدتاً از انگیزه ناب تری فرمان گرفته باشند. چندین مورد از وصلت های او از ماهیتی سیاسی برخوردار بوده اند. پیامبر بسیار مشتاق بود تا پیوند پیروان و مشاوران اصلی خود را با خود هر چه نزدیک تر سازد. بی شک هدف او از به زنی گرفتن دختران ابوبکر و عمر همین بود. در حالی که در وصلت های او با دختران رقبای سیاسی یا دشمنان شکست خورده اش انگیزه سیاسی از نوعی متفاوت به چشم می خورد. (صمیمی، ۱۳۸۲: ۴۱۹)

درابر امریکایی استاد دانشگاه نیویورک در کتاب «علی (ع) و دین» می گوید: مخالفان اسلام تعدد زنان پیامبر را دلیل بر شهوترانی - اش دانسته اند ولی ایشان مردمی ساده لوح بوده اند، چه بر جریان امور زندگانی وی اطلاع کامل ندارند و در نظر نمی گیرند که آن حضرت در سن ۲۵ سالگی خدیجه ۴۰ ساله را گرفت و تا او زنده بود زنی دیگر نگرفت پس از مرگ خدیجه نیز اغلب زنانی را که گرفت پیر و بی شوهر و در واقع بی سرپرست بودند به علاوه می خواست به مردم بفهماند چون زنان علی القاعده از مردان بیشتر

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

هستند و اگر هم بیشتر نباشند به واسطه این که مردان در برابر حوادث اجتماعی مانند جنگ بیشتر از زنان از بین می‌روند بنابراین لازم می‌آید که هر مردی بر طبق دستور اسلام با در نظر گرفتن اصل عدالت بتواند تا چهار زن را به حباله نکاح درآورد. به علاوه آن حضرت زنان متعدد گرفت از قبایل گوناگون عرب تا میان اعراب الفت دهد و به علاوه پیغمبر زن متعدد گرفت تا سرمشق دیگران باشد و بدین وسیله قلت جمعیت مسلمانان به کثرت بدل شود. (قائمی تهرانی، ۱۳۲۵: ۸)

ولتر فرانسوی با رد ادعای مسیحیان مبنی بر شهوترانی پیامبر و مسلمانان می‌نویسد: اسلام، بر خلاف آن چه مسیحیان می‌گویند، هرگز شهوترانی را رواج نداد و برعکس، تعداد بی حد و حصر زنان را که در بستر بیشتر پادشاهان و فرمانروایان کشورهای آسیایی می‌آرمیدند، به چهار زن محدود نمود. این دین یهود بود که طرفدار شهوت بود؛ نه دین محمد. شاید هرگز قانونی کامل تر از قوانین قرآن درباره طلاق وضع نشده باشد. (حدیدی، ۱۳۴۳: ۱۰۲)

کارلایل در این باره چنین می‌گوید: به رغم دشمنان، هرگز حضرت محمد(ص) مرد شهوت پرست نبوده از روی ستم و عناد او را متهم به شهوترانی نموده‌اند چه قدر ستم و بی‌انصافی است که شخصی مانند آن حضرت را به شهوترانی متهم کنیم یا آن که بگوییم جز شهوت و لذت نفسی خود همتی نداشت، میانه حضرت محمد(ص) و شهوت و لذت پرستی چه قدر بعید بود. حقا مردی زاهد در لباس و خوراک و مسکن و سایر امور خود بود و اغلب خوراک او نان تپی و آب بود بسا ماه‌ها گذشت که از خانه او دودی برای طبخ بلند نشد. (کارلایل، الابطال، ۱۳۱۵: ۷)

فلسفه ازدواج های پیامبر(ص)

در مطالب پیشین با دلایل و شواهد متعدد ثابت شد که پیامبر نه تنها شهوت پرست نبوده بلکه با سلطه‌ی آن مخالف بوده و هرگز شهوت او را مغلوب خود نکرده‌است حالا این سؤال پیش می‌آید که فلسفه ازدواج‌های پیامبر چه بوده‌است؟ در زیر مواردی چند از فلسفه ازدواج‌های پیامبر را ذکر می‌کنیم:

۱- سرپرستی و تکریم زنان بیوه مهاجران و مجاهدان:

رسول خاتم حمایت از محرومان و واماندگان را از اصول اسلام می‌دانست. ایشان در فرصت‌های مختلف مردم را به این کار خدا پسندانه تشویق می‌کرد و در رفتار عملی خود نیز این رویه را در پیش می‌گرفت. پیامبر در مورد زنان با استفاده از فرهنگ آنان از چند همسری که بازتاب شرایط اجتماعی منطقه آنان بود بهره جست و مردان مسلمان را تشویق به ازدواج با زنان بی‌سرپرست و دارای یتیم کرد تا آنان از رنج بی‌سرپرستی و تنهایی و فقر مالی و عقده‌های روانی رهایی یابند، و هم‌چنین پیامبر به خاطر احترام نهادن به مقام شهدا و طرح یک ارزش اجتماعی که خانواده شهید بعد از شهادتش بی‌سرپرست نماند، با همسران آنان ازدواج می‌کرد، زیرا گاه کسی از همسران مجاهدان مهاجر - که در مدینه و دور از خاندان خود و در حالی روزگار سپری می‌کردند که کاری نداشتند و اغلب افراد خاندان آن‌ها در مکه زندگی می‌کردند و مشرک بودند- همسر خود را در جهاد در راه خدا و در رکاب پیامبر از دست می‌داد و در مدینه تنها و بی‌سرپرست می‌شد و بنابراین برای او چاره جز آن نبود که یا به مکه برگردد و آزارهای خاندان مشرک خود را پذیرا باشد و خود را در معرض احتمال مرتد شدن قرار دهد و یا آن که رسول خدا(ص) خود مسئولیت سرپرستی او

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

را به عهده گیرد. بدین ترتیب آن حضرت پس از ازدواج با چنین کسی مسئولیت او را عهده‌دار می‌شد و در این مسأله و در ازدواج با او هرگز این را ملاحظه نمی‌کرد که این زن به گونه‌ای است که کسی رغبت ازدواج با او را داشته باشد یا چنین نیست و هیچ جاذبه‌ای برای ازدواج با او در او وجود ندارد جز این که به کسی نیازمند است که تکفل و سرپرستی او را عهده‌دار شود. (ابوزهره، ۱۳۸۰: ج ۳/ ۶۸۸)

کسانی چون حفصه و امّ سلمه و زینب بنت خزیمه همسران‌شان در جنگ‌های اسلام بر علیه مشرکان شهید شدند و امّ حبیبه و سوده از همسران مهاجران بودند که خانواده این دو مشرک بود و در صورت بازگشت به خانواده خود مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند.

۲- جلب حمایت قبایل و مشارکت سیاسی:

از جمله اهداف ازدواج‌های پیامبر پیوند با قبایل بزرگ عرب و جلوگیری از کارشکنی‌های آنان و حفظ سیاست داخلی بوده است. (رحمتی چاغروند، ۱۳۹۰: ۱۳۷)

پیوند ازدواج پیامبر با عایشه و حفصه دختران ابوبکر و عمر و برگزیدن دخترش فاطمه به همسری علی(ع) و رقیه و ام‌کلثوم به همسری عثمان بن عفان، به وضوح نشان می‌دهد که پیامبر می‌خواست از طریق این ازدواج‌ها با آن چهار بزرگ‌مرد تاریخ پیوندی ناگسستنی برقرار نماید. (هیکل، ۱۳۷۵: ۴۳۵) آن چهار یاری که تلاش و ایثارشان در دوران‌های نابسامان دعوت حق در تاریخ درخشان است و اراده خداوند آن بود که اسلام به سلامت از آن بحران‌ها عبور کند.

رسم مردم عرب نیز چنین بود که نسبت به خویشاوندان سببی، احترام ویژه‌ای به‌کار می‌گرفتند و این خویشاوندی را از طریق ازدواج، دری از درهای روابط و نزدیکی مستحکم میان طوایف گوناگون به‌شمار می‌آوردند و جنگ و ستیز را با آنان ننگ و رسوایی می‌دانستند. بنابراین پیامبر از طریق ازدواج با چند تن از امهات مؤمنین، خواست از دشمنی و سرسختی مردم عرب در برابر اسلام بکاهد و کینه‌توزی و خشم آنان را فرونشاند.

امّ سلمه، از تبار بنی مخزوم - طایفه ابوجهل و خالدین ولید- بود. همین که پیامبر با او ازدواج کرد، خالد آن همه سرسختی و ستیزه‌جویی را بکاست و در سرنوشت خود اندیشید تا این که میمونه دختر حارث که از خانواده بزرگ و سرشناس مکه بود با پیامبر ازدواج کرد. این ازدواج موجب شد که قبیله و خانواده او از جمله خالد بن ولید (پسر خواهر میمونه)، عثمان بن طلحه و عمر بن عاص، به اسلام گرایش پیدا کنند و به دفاع از پیامبر روی آورند. و موجب شد مدت اقامت پیامبر در مکه تمدید شود و این فرصت خوبی برای رایزنی و ارتباط بیشتر با افراد بود. (عبدالمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۳۲)

هم‌چنین ابوسفیان، پس از ازدواج پیامبر با دخترش ام‌حبیبه، در هیچ پیکاری خود را نشان نداد. و هم‌چنین پس از ازدواج با صفیه و جویریّه، از دو طایفه بنی نضیر و بنی مصطلق، هیچ نوع دشمنی و واکنشی علیه اسلام مشاهده نشد. جویریّه، با برکت‌ترین زنان برای قبیله خویش گشت و به خاطر همین وصلت، یاران پیامبر یکصد خانوار از اسیران قبیله جویریّه را آزاد کردند و گفتند: بی‌گمان این منت نهادن و اسیر آزاد کردن چه تأثیر شایانی بر روح و جان پاک یک طایفه گذاشته است. (حسینی، ۱۳۸۲: ۶۰۰)

زمانی که این خبر به حارث رسید به مدینه آمد و اسلام آورد و با مسلمان شدن او همه قبیله بنی المصطلق مسلمان شدند.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

۳- آزاد نمودن کنیزان:

پادشاه مصر در احترام به پیامبر دو کنیز به نام‌های «ماریه و ریحانه» را به حضرت هدیه کرد و رسول خدا(ص) طبق رسوم رایج و بر اساس اخلاق، هدیه او را پذیرفت. حضرت ریحانه را به حسان بن ثابت بخشید و ماریه را مخیر کرد که برود یا بماند و به عقد پیامبر درآید، که ماریه دومی را برگزید. (عبدالمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۳۳) بنابراین اسلام با برنامه‌ریزی دقیق و مرحله به مرحله، در جهت آزادی اسیران استفاده کرد که ازدواج از جمله آن‌ها بود. جویریة و صفیه هر دو کنیز بودند و پیامبر این دو را آزاد کرد؛ سپس با این دو ازدواج نمود، تا به این وسیله به مسلمانان بیاموزد که می‌توان با کنیز ازدواج نمود، اول او را آزاد کرد سپس شریک زندگی خویش قرار داد.

۴- آموزش و تربیت زنان:

یکی دیگر از مأموریت‌های پیامبر این بود که به پرورش و آموزش و تزکیه و راهنمایی مردمی پرداخت که چیزی از آداب و رسوم، فرهنگ و تمدن، پایبندی به عرف و عادات شهرنشینی و همکاری در آبادانی جامعه و گرمی داشت آن را نمی‌فهمیدند. و از سویی اصول و قوانینی که زیر بنای جوامع اسلامی را تشکیل می‌داد؛ به مردان اجازه نمی‌داد که با زنان اختلاط داشته باشند. به این سبب، غیرممکن بود که پرورش و آموزش و بالا بردن سطوح درک و دانش زنان، با توجه به این شرایط و مقدمات شکفته شود. هرچند فراگیری این امر مهم برای زنان بسی ضروری و ارزنده بود. از طرفی بخشی از احکام اسلام مختص به زنان است و در اوایل ظهور اسلام بیان این احکام به عهده شخص پیامبر بود و به جهت حیای بسیار پیامبر پاسخ به پرسش‌های زنان برای ایشان دشوار بود و چه بسا برخی از زنان نیز به خاطر شرم و حیا به راحتی مسائل شرعی خود را برای پیامبر بیان نمی‌کردند. بنابراین پیامبر بزرگوار تصمیم گرفت که زنان میان سال و با استعداد را در رشته‌های گوناگون انتخاب کند تا برای این هدف حیاتی کافی باشند. آن‌گاه اول به پرورش و تزکیه این زنان برگزیده پردازد و احکام دینی و تعلیمات لازم به آنان یاد دهد و آن‌چه لازمه دین باشد، در اختیارشان بنهد و به خوبی، آنان را برای تربیت کردن زنان دیگر مهیا کند، تا هر چه نیکوتر از عهده تبلیغ و تعلیم زنان برآیند. (حسینی، ۱۳۸۲: ۶۰۱) از آن‌جا که زنان پیامبر از قبایل مختلف بودند، نقش چشم‌گیری در راستای تبلیغ و رسانیدن پیام خداوند به‌ویژه سخنان و رفتار و اعمال حضرت، برای مسلمانان داشته‌اند.

از نکات حائز اهمیت این است که چه بسیار آداب ریشه‌ای و اصولی نادرست جاهلی وجود دارد که برای نابودی و یا اصلاح آن، نمی‌توان تنها به سخن کفایت کرد، بلکه دعوت کننده باید الگوی عملی باشد، پیامبر اسلام به عنوان اسوه و الگوی عملی مسلمانان «لَکُمْ فِی رَسُولِ اللّٰهِ اَسْوَةٌ» در تعامل با همسران خود گستره‌ی وسیعی از فضایل اخلاقی و رفتار انسانی در برخورد با زنان و همسران را به نمایش نهاد.

۵- ابطال عقاید جاهلی:

زید بن حارثه پسر خوانده رسول خدا(ص) بود و علاقه‌ی شدیدی میان پیامبر و زید وجود داشت. پیامبر برای آن‌که اختلاف طبقاتی در زمان خود را برچیند و ملاک و ارزش را فضایل اخلاقی و سجایای انسانی معرفی کند. دختر عمه‌ی خود زینب دختر

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

جش که زنی اشرافی و با اصالت و زیبا بود برای زید خواستگاری کرد. ابتدا زینب و برادرش عبدالله با ازدواج زید به دلیل این که قبلاً او برده بوده مخالفت کردند. اما آیه زیر در مورد آن‌ها نازل شد :

«مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (احزاب/ ۳۶) «هیچ مرد و زن مؤمنی، در صورتی که خدا و پیامبر او درباره آن‌ها تصمیمی گرفتند، اختیاری از خود ندارند و هر کس خدا و پیامبر او را مخالفت کند، آشکارا گمراه است.» پس از نزول این آیه زینب با ازدواج با زید موافقت کرد. در نتیجه، اشراف‌زاده‌ای به ازدواج غلام محمد(ص) درآمد و از این طریق بخشی از برنامه‌های حیات آفرین اسلام اجرا شد و در عمل روش غلطی کوبیده شد.

سرانجام این ازدواج به طلاق منجر گردید برخی زینب را مقصر می‌دانند زیرا معتقدند که او پستی حسب و نسب شوهر را به رخ او می‌کشید و از عظمت و شکوه خاندان خود می‌گفت. ولی احتمال دارد زید مقصر باشد چرا که در زندگی‌نامه زید آمده که همه زن-هایی را که تا لحظه مرگش - بجز زن آخر که در حباله نکاح او بود- گرفته طلاق داده بود و این نشان از روحیه انزواطلب و ناسازگار زید دارد و گواه دیگر این موضوع خطاب تند پیامبر به زید است زیرا پیامبر وقتی از تصمیم زید مبنی بر طلاق زینب آگاه شد سخت برآشفته و فرمود: «أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ» (احزاب/ ۳۷) «همسر خود را نگه دار و از خشم خداوند بپرهیز.» اگر تقصیر همه جانبه، متوجه همسر او می‌بود، در چنین صورتی، جدایی زید از همسرش خلاف تقوا و پرهیزکاری به شمار نمی‌رفت، ولی سرانجام زینب و زید از هم جدا شدند.

جامعه عرب پسرخوانده را مانند پسر واقعی فرض می‌کردند. پیامبر مأمور شد که با زینب که سابقاً همسر پسرخوانده او (زید) بود ازدواج کند و این روش غلط دیگر را، از بین ببرد و این شیوه نادرست را با عمل که اثر آن بیشتر از گفتن و جعل قانون است، از میان مردم عرب بردارد و این ازدواج علتی جز این نداشته است از آن جا که کمتر کسی جرأت داشت، که این برنامه را در دنیای آن روز که ازدواج با پسرخوانده قبح مصنوعی غریبی داشت اجرا کند، خداوند پیامبر را به‌طور رسمی برای این کار دعوت فرمود. چنان که می‌فرماید: «قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا وَزَوْجَانَهَا لَيْكِي لَأ يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (احزاب/ ۳۷)

«پس چون زید از آن [ازن] کام بر گرفت [او او را ترک گفت] وی را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگان‌شان چون آنان را طلاق گفتند گناهی نباشد و فرمان خدا صورت اجرا پذیرد.»

این ازدواج، علاوه بر این که سنت غلطی را کوبید، بزرگ‌ترین مظهر برای مساوات و برابری قرار گرفت، زیرا رهبر عالی‌قدر اسلام با بانویی ازدواج کرد که در گذشته همسر آزاد شده او بود و در دنیای آن روز چنین ازدواجی، مخالف با شئون اجتماع به شمار می‌رفت.

قرآن در پاسخ به اعتراض و انتقاد مخالفان و منافقان که کار پیامبر را نکوهیده و می‌گفتند محمد(ص) با همسر پسرخوانده خود ازدواج کرده، فرمود:

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (احزاب/ ۴۰)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

«محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر هر چیزی داناست» (سبحانی، ۱۳۸۵: ۵۹۹-۶۰۹)

مستشرقان و ماجرای ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت جحش

مستشرقان با خیال پردازی خود به این ازدواج که به منظور کوبیدن یک سنت باطل بود، رنگ عشق و دلباختگی داده و تا آن جا که توانسته اند به یک تاریخ مجهول، پر و بال داده و آن را به ساحت پاک ترین فرد جهان نسبت داده اند. اساس افسانه آن ها جمله هایی است که ابن اثیر و پیش از او طبری و برخی از مفسران نقل کرده اند:

«روزی چشم پیامبر بی اختیار به زینب همسر زید افتاد. زید احساس کرد که پیامبر به زینب علاقه مند شده است و روی علاقه مفرطی که به پیامبر داشت، حضور پیامبر گرامی شرفیاب شد و موضوع طلاق زینب را پیش کشید تا کوچک ترین مانعی برای پیامبر درباره ازدواج با زینب نباشد. پیامبر به طور مکرر او را از طلاق دادن همسرش نهی کرد، ولی سرانجام همسر خود را طلاق داد و رسول خدا با او ازدواج کرد. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱/۲۲)

در پاسخ به این شبهه باید گفت:

۱- سند این روایات به صورت منقطع و مرسل است. (عبدالمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۳۷) و هم چنین با سند قطعی اسلام، که قرآن با آن مخالف است زیرا به شهادت قرآن آیه ۳۷ سوره احزاب ازدواج زینب با پیامبر به دستور خداوند و برای باطل کردن سنت باطل عرب بود که با همسر فرزند خوانده خود ازدواج نمی کردند. پس پیامبر با ازدواج با زینب این سنت جاهلی را به دستور خداوند از بین برد. پس این ازدواج به منظور علاقه مندی و دل باختگی صورت نگرفته است. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۶۰۷)

۲- پیشنهاد ازدواج زید و زینب را پیامبر داد و با وجود مخالفت زینب پیامبر به این کار اصرار کرد و نیز زمانی که زید موضوع طلاق را به پیامبر گفت؛ پیامبر با خطاب تند به او گفت: همسرت را نگه دار.

۳- زینب دختر عمه پیامبر بود و پیش از آن که با زید ازدواج کند پیامبر او را دیده بود و از جمالش خبر داشت و هم او زینب را برای زید خواستگاری کرد، پس از ازدواج با زید نیز او را می دید زیرا در آن روزگار حجاب نبود به علاوه محمد(ص) به اقتضای خویشاوندی و این که همسر فرزند خوانده و آزاد شده ی پیامبر بود با زینب ارتباط داشت و جریان زینب با زید و طلاق گرفتن او و ازدواج با پیامبر مورد تأیید خداوند و برای اجرای احکام الهی بوده است. (هیگل، ۱۳۷۵: ۴۴۱)

۴- مفسران در مورد این بخش از آیه وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ : در نفس خود چیزی را پنهان می کردی که خداوند آن را آشکار ساخت» می گویند: منظور از آن چه که او پنهان می داشت، همان وحی الهی است که خداوند بر او فرستاده بود خداوند به وی وحی کرده بود که زید همسر خود را طلاق خواهد داد و تو برای ابطال سنت باطل (همسر پسر خوانده بر پدر خوانده حرام است) با او ازدواج خواهی کرد. از این رو، لحظه ای که وی را نصیحت می کرد، متوجه این وحی الهی بود، اما آن را از زید و دیگران پنهان می ساخت. خداوند در همان جمله فوق، به پیامبر خبر می دهد که آن چه در خاطر توست و آن را پنهان کرده ای، خداوند اظهار خواهد کرد. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۶۰۸)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

پاسخ به شبهه‌ی مستشرقان درباره حدیث پیامبر(ص)

پیامبر(ص) فرمود: حُبَّ الیَّ مِنْ دُنْیَاكُمْ ثَلَاثٌ: النِّسَاءُ وَ الطَّيِّبُ وَ جُعِلَتْ قَرَّةٌ عَیْنِی فِی الصَّلَاةِ (مجلسی، ج ۷۶ / ۱۴۱)

از دنیای شما سه چیز مورد علاقه من است: زنان، عطر و نماز که نور چشم من است. مستشرقانی مانند گلدزیهر و گوستاولوبون از روایت پیامبر(ص) نتیجه گرفته‌اند که ازدواج‌های پیامبر در سنین آخر زندگی، جنبه شهوانی داشت، در حالی که این برداشت و تحلیل با شواهد تاریخی همسو نیست، بلکه وضع اجتماعی-فرهنگی شبه جزیره عربستان به گونه‌ای بود که زن را خوار و بی‌ارزش می‌پنداشتند و علاقه‌ای به دختر نداشتند و هر گاه از تولد دختری خبردار می‌شدند، به سوی زنده به گوری دختران گام برمی‌داشتند و نسل دختری خویش را قبول نداشتند. آن حضرت در برابر این همه ظلم و ستم به زنان به مبارزه برخاست، زنده به گوری دختران را گناهی بزرگ و نابخشودنی برشمرد، به زنان ارزش و احترام داد. و در پیشگاه خداوند معیار تقرب و برتری را تقوا قرار داد، نه جنسیت، و کوشید تا با طرق ممکن آن وضع ناشایست را برطرف نماید.

آن حضرت در همین مسیر تبعیض‌زدایی و شخصیت‌دادن به زنان می‌فرماید: که من زنان را دوست دارم و این دوستی را در کنار دوستی و علاقه به نماز قرار می‌دهد. بنابراین نباید این دوستی را با شهوت‌گرایی و زن‌باره‌بودن خلط نمود.

افزون بر این، رسول گرامی اسلام خواسته است که با این روایت و روایات مشابه به مسلمانان بقبولاند که آیین اسلام با رهبانیت و ترک زنان همسو نیست بلکه یک مسلمان، هم باید ازدواج کند و از بوی خوش استفاده کند و هم به عبادت خداوند بپردازد و نماز بخواند. در گزارش‌های تاریخ اسلام آمده است که چند نفر از اصحاب به منظور تزکیه نفس و جلب رضای خداوند، آمیزش با زنان را بر خود حرام نمودن، ام سلمه همسر پیامبر از تصمیم آنان با خبر شد و جریان را به اطلاع پیامبر رسانید، حضرت به میان اصحابش رفت و فرمود: «أَتُرْغَبُونَ عَنِ النِّسَاءِ أَتَى النَّاسَ وَ أَكَلَ بِالنَّهَارِ وَ انَامَ بِاللَّیْلِ فَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِی فَلَیْسَ مِنِّی» «آیا زنان خود را ترک گفته‌اید و از آنان اعراض کرده‌اید؟ من نزد زنان می‌روم، روز غذا می‌خورم و شب را می‌خوابم و هر کس از سنت من روی گرداند، از من نیست.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ج ۸ / ۱۴) کوتاه سخن این که روایات مربوط به محبت زنان را می‌توان با دو هدف ترک رهبانیت و طرد فرهنگ جاهلی تفسیر نمود.

نتیجه گیری

شخصیت پیامبر اکرم(ص) و تاریخ زندگی او از روزهای نخست بعثت مورد توجه مورخان و سیره‌نویسان، از جمله مستشرقان بوده است. مستشرقان در طول تاریخ با رویکردهای مختلف به سیره نبوی پرداخته‌اند. از مسائلی که در زندگی شخصی پیامبر اکرم توجه مستشرقان را به خود جلب کرده، تعدد همسران رسول خداست. در این رابطه سوالات و شبهات مختلفی مطرح کرده‌اند، از جمله این که فلسفه‌ی تعدد همسران پیامبر چه بوده است؟ آیا تعدد همسران پیامبر از روی شهوت و هوسرانی نبوده است؟ این شبهه در ذهن برخی از مستشرقان چنان ریشه دوانیده تا جایی که انگیزه و عامل شهوت را در تعدد زوجات پیامبر مسلم پنداشته‌اند. در این نوشتار پس از ارایه مقدمات بحث، ریشه‌های نگرش منفی مستشرقان نسبت به ازدواج‌های پیامبر، در امور گوناگونی دیده شده از جمله: عدم تصور درست از فرهنگ اسلام و شخصیت پیامبر، حرم‌سراهای امویان، عباسیان، عثمانی‌ها و.. را به عنوان سمبل اسلام و جانشینان پیامبر تلقی کردن و هوسرانی آن‌ها را به پیامبر نسبت دادن، تکیه نمودن بر ذهنیت مسیحی که عزوبت یا

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

دست کم تک همسری را ارزش می‌دانند و ازدواج را مخالف با معنویت انسان تلقی می‌کنند، اتکا به مدارک غیر متقن و ترجمه‌های غیر صحیح و نیز تعصبات مسیحی و نگاه‌های مغرضانه و سیاسی و استعمارگرانه.
سپس در جهت پاسخ به این اتهام و شبهه، تعارض آن با امور زیر تبیین شده است:
- تعارض با شخصیت و سیره پیامبر (ص) از جمله وارستگی حضرت نسبت به دنیا و تعلقات دنیوی، عبادت و تهجد مستمر پیامبر (ص)، پایداری و تحمل مشکلات از سوی ایشان و

- تعارض با واقعیت‌های تاریخی: مستشرقان با ذهنیت قرن بیستم و معیارهای مسیحیت که عزوبت و تک همسری را ارزش می‌دانند، ازدواج‌های پیامبر را تحلیل کرده‌اند. درباره ازدواج‌های پیامبر نیز شناخت جایگاه زن در آن دوران، نقش ازدواج در پیوند میان قبایل، شرایط پیامبر اکرم در مدینه و دیگر شرایط آن زمان ضروری است. به‌علاوه آنکه پیامبر تا سنین ۵۰ یا ۵۳ سالگی غیر از خدیجه همسر دیگری برنگزید. همه همسران پیامبر به جز عایشه بیوه و پیر بودند و پیش از آن که با پیامبر ازدواج کنند، یک یا چند بار ازدواج کرده بودند.

- تعارض با تحلیل‌های عالمانه‌ی برخی دیگر از مستشرقان: بسیاری از مستشرقان برآنند که؛ تعدد زوجات به‌طور کلی از دوران ابراهیم(ع) به بعد در تمام مشرق زمین معمول و رایج بوده و تعدد زوجات در زمان پیامبر(ص) امری معمول بوده و پیامبر با این کار درصدد اشباع غریزه جنسی نبوده‌است. زیرا برخی از ازدواج‌های حضرت با بیوه زنان از روی ترحم، دلداری و محبت به آنها و برخی دیگر به جهت مصالح سیاسی و تقویت مسلمانان بوده است.

و در ادامه به بیان این مطلب پرداخته شده که؛ اصولاً ازدواج‌های متعدد پیامبر، فلسفه‌ها و حکمت‌های گوناگونی داشته از جمله: سرپرستی و تکريم زنان بیوه مهاجران و مجاهدان، جلب حمایت قبایل و مشارکت سیاسی، آزاد نمودن کنیزان، آموزش و تربیت زنان، ابطال عقاید جاهلی(حرمت ازدواج با همسر پسرخوانده). و در انتها ماجرای ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت جحش - که از سوی مستشرقان به ماجرای درازدامن تبدیل شده - و نیز حدیث معروف حضرت در مورد محبت و دوستی زنان نقد و بررسی شده است.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

فهرست منابع

الف) کتب

- . قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- . نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، زمستان ۱۳۸۴، چاپ ششم، قم، الهادی.
- . آل اسحاق خوئینی، علی، ۱۳۷۰، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- . ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۷۵، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- . ابوزهره، محمد، ۱۳۸۰، محمد خاتم النبیین (ص)، ترجمه حسین صابری، چاپ سوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- . پورامینی، محمدباقر، زمستان ۱۳۸۵، پیامبر اعظم (ص)؛ سیره و تاریخ، قم، نشر معارف.
- . جمیله، مریم (مارگرت مارکوس)، ۱۳۹۱، خاورشناسی و توطئه خاورشناسان، ترجمه غلامرضا سعیدی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم، کلبه شروق.
- . حدیدی، جواد، ۱۳۴۳، اسلام از نظر ولتر، انتشارات دانشگاه مشهد.
- . حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت (ع).
- . حسینی، محمد بهاء‌الدین، ۱۳۸۲، باده ناب، سنندج، انتشارات کردستان.
- . خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۸۱، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، چاپ دوم، تهران، دوستان؛ ناهید.
- . دورانت، ویل، «تاریخ تمدن»، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اقبال، ۱۳۴۳.
- . داون پورت، جان، ۱۳۹۱، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه غلامرضا سعیدی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم، کلبه شروق.
- . رحمتی چاغروند، عزت‌الله، ۱۳۹۰، زندگانی حضرت محمد (ص) معصوم اول؛ پیغمبر خاتم، خرم‌آباد، انتشارات شاپور خواست.
- . سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵، فروغ ابدیت، چاپ بیست و یکم، قم، بوستان کتاب.
- . سعید، ادوارد، ۱۳۷۱، شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- . صمیمی، مینو، ۱۳۸۲، محمد در اروپا، ترجمه عباس مهرپویا، تهران، اطلاعات.
- . طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیرالمیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه.
- . _____، ۱۳۸۱، سنن النبی، ترجمه حسین استاد ولی، چاپ سوم، تهران، پیام‌آزادی.
- . طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
- . عبدالمحمدی، حسین، ۱۳۹۲، مستشرقان و پیامبر اعظم (ص)، قم، المصطفی.
- . کارلایل، توماس، ۱۳۱۵، الابطال (تاریخ حیات پیغمبر اسلام)، ترجمه ابو‌عبدالله زنجانی، چاپ سوم، تبریز، انتشارات کتابخانه سروش.
- . لوبن، گوستاو، ۱۳۸۷، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هاشم رسول محلاتی، تهران، انتشارات کتابچی.
- . مجلسی، محمد باقر، بی‌تا، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، انتشارات اسلامیه.
- . محرمی، غلام‌حسن، ۱۳۷۸، جلوه‌های اعجاز معصومین (ع)، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- . محمدی اشتهازدی، ۱۳۸۵، محمد، سیرت پیامبر اعظم و مهربان، قم، انتشارات ناصر.
- . محمدی ری شهری، ۱۳۸۱، محمد، اهل بیت (ع) فی الكتاب و آسنه، قم، انتشارات دارالحدیث.
- . مطهری، مرتضی، زمستان ۱۳۸۶، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

. هیكل، محمدحسین، ۱۳۷۵، زندگانی محمد (ص)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سوره.

(ب) مقالات

. اخوان صراف، زهرا، آسیب شناسی پژوهش‌های قرآنی خاورشناسان، فصلنامه بینات، سال چهاردهم، پاییز ۱۳۸۶.
. اسکندریلو، محمدجواد و پاسنگ، حیدر، بررسی دیدگاه مستشرقان در مورد سیره و تاریخ نگاری (با رویکرد قرآنی)، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۳، مقاله سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.

. شریعتی سبزواری، محمدباقر، پیامبر (ص) و تعدد زوجات در اسلام، مجله معارف، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۵.
. علی الصغیر، محمد محسن، خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی، ترجمه محمد صادق شریعت، ماهنامه موعود، شماره ۷۰، آذر ۱۳۸۵.
. قائمی تهرانی، ابراهیم، اسلام و قرآن و حضرت محمد در نظر اروپائیان و خاورشناسان جهان، مجله آیین اسلام، شماره ۱۰۹، اردیبهشت ۱۳۲۵.

Archive of SID